

بررسی ترجمه «إنما» در ترجمه‌های قرآن کریم

مریم بخشی^{*}

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۹
پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

چکیده

هر واژه‌ای در قرآن کریم دارای معنی خاص خود و دارای اهداف معنوی و بلاغی است که در ترجمه نیز باید به این مسأله توجه شود. از جمله واژگانی که در ترجمه قرآن، دقت ویژه‌ای می‌طلبد، واژه «إنما» است که از ادات حصر بوده و دارای جایگاه خاص در قرآن کریم است. اما علیرغم اهمیت توجه به این امر، برخی مترجمان در برگردان «إنما»، یا دقت لازم را اعمال ننموده‌اند و یا آن را اساساً ترجمه نکرده‌اند و یا به صورت نادرست ترجمه ننموده‌اند. در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، آیاتی که در آن «إنما» به کار رفته استخراج و در پنج ترجمه انصاریان، خرمشاهی، فولادوند، الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی، بررسی شده است. براساس نتایج پژوهش، خطاهای رایج در ترجمه «إنما» عبارتند از: ۱. ترجمه إنمای حصری به صورت تأکیدی، ۲. خطأ در تشخیص طرفین قصر در ترجمه «إنما»، ۳. خطأ در تشخیص مای کافه از مای موصوله در «إنما»، ۴. خطأ در تشخیص مای موصوله از مای مصدریه، ۵. خطأ در معادل یابی معنایی «إنما»، ۶. خطأ در ترجمه یکسان «إلا» و «إنما». نتایج حاکی از آن است که ترجمه‌های خرمشاهی (۸۱ مورد)، الهی قمشه‌ای (۷۴ مورد) و انصاریان (۲۳ مورد) در برگردان «إنما» توجه لازم را مبذول نداشته‌اند و ترجمه مکارم به طور کامل، برگردان تأکیدی «إنما» را مورد توجه قرار داده است.

واژگان کلیدی: نقد ترجمه، ترجمه قرآن، حصر، قصر، إنما

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسأله

استعمال واژه‌ها در قرآن از روی عمد و قصد بوده و واژه‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که واژه دیگری را نمی‌توان جای آن گذاشت (باقلانی، ۱۴۰۸: ۱۷۵). بدیهی است که در ترجمه نیز باید این امر مد نظر قرار گرفته و مورد توجه قرار گیرد تا غرض معنایی و بلاغی محقق گردد. مخصوصاً که «به دلیل برخورداری از سندیت شرعی و نیز نقش آن در شکل دهی آموزه‌های اعتقادی و تربیتی، ترجمه و میزان کارآمدی آن در انتقال مفاهیم از اهمیت دوچندان برخوردار می‌گردد» (جهانگیری اصل، ۱۳۹۸: ۱۶۶). از جمله این موارد، ترجمه قصر در قرآن کریم است. قصر، شیوه‌ها و روش‌های مختلفی دارد؛ اما اغلب بلاغت‌شناسان بر چهار شیوه اتفاق نظر دارند (ر.ک: سکاکی، ۱۹۸۱: ۵۰۸؛ قزوینی، ۱۹۸۲: ۹۷۶؛ تفتازانی، ۱۳۳۰: ۲۰۳)؛

۱) قصر به وسیله إنّما؛

۲) قصر با ما و إلا؛

۳) قصر به وسیله عطف به بل، لا و لكن؛

۴) قصر از طریق تقديم ما حقه التأخیر؛

شاید بتوان گفت: ترجمه قصر به وسیله «إنّما»، بیشتر از بقیه روش‌های قصر مورد بی-توجهی قرار گرفته و در اغلب موارد یا ترجمه نشده و یا به شکل نادرست ترجمه شده است. مخصوصاً که «إنّما» از باقی ادوات قصر اقوی است؛ چه از آن در ابتدای کلام، قصر مستفاد می‌شود (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۰۰). از این رو پژوهشی مستقل می‌طلبید تا در ضمن آن، این خطاهای، ضعف‌ها و نارسایی‌ها بررسی گردد.

در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، آیاتی که در آن «إنّما» به کار رفته، استخراج و ترجمه آن در ترجمه پنج تن از مترجمان (انصاریان، خرمشاهی، فولادوند، قمشه‌ای و مکارم شیرازی) بررسی شده است. در این راستا، سوالات زیر مطرح است:

- ۱) در ترجمه «إنما» باید به چه عناصر و نکاتی توجه داشت و صورت‌های صحیح ترجمه «إنما» بسته به شرایط مختلف جمله کدام است؟
- ۲) مترجمان قرآن کریم در ترجمه «إنما»، دچار چه خطاهای ضعف‌هایی شده‌اند؟
- ۳) کدام یک از مترجمان بیشترین و کدام یک کم‌ترین خطای ترجمه‌ای را در این زمینه دارد؟

۱-۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که در زمینه «إنما» صورت گرفته بدین ترتیب هستند:

«بررسی معناشناسی واژه «إنما» در دو ترجمه دهلوی و فولادوند»، محمد جنتی فر و معصومه آمیغی، دانشنامه، تابستان ۱۳۸۹- شماره ۲. نویسنده مقاله حاضر با بررسی و مقایسه دو ترجمه مذکور به این نتیجه رسیده است که دهلوی، واژه «إنما» را با تعییر «جز این نیست که» ترجمه نموده؛ مگر در موارد محدودی و فولادوند، آن را در اکثر آيات ترجمه نموده و از واژه‌های متعددی، همچون: «خود، فقط، جز این نیست که، تنها، صرفاً، جز این نبود که، در واقع، همانا...» بهره گرفته است. در این مقاله، صرفاً معانی «إنما» در ترجمه دو مترجم بررسی شده و نویسنده به خطاهای ترجمه این واژه، دقت نکرده تا آنجا که «در واقع» و «همانا» را (که ادات تأکید هستند) هم جزء معناهای «إنما» تلقی کرده است.

«دراسة تحليلية في الفروق المعنوية بين أساليب القصر»، على صياداني و بهنام فارسي، بحوث في اللغة العربية، العدد ۱۵(۱۳۹۵) در مقاله ياد شده، نویسندهان به بررسی روش‌های قصر و معناها و تفاوت معنایی آنها پرداخته‌اند، اما به کیفیت ترجمه آنها در قرآن کریم نپرداخته‌اند.

«ارزیابی دوگانگی رسم الخط ادوات «إنما، أَنْمَا، كُلّ ما و أَيْنَ ما» و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، کاووس روحی برندق و همکاران، پژوهش‌های زبان‌شناسی قرآن، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶. در این مقاله بیشترین اهتمام

نویسنده‌گان به موضوع رسم الخط إنما و إن ما و آنما، و آن ما و کُلّ ما و أين ما است و بیشتر آیاتی را آورده است که در آن «إنَّ ما» به صورت متصل «إنما» نوشته شده است که بعضی از مترجمان از یکسو در پاره‌ای از موضع به تفاوتِ رسم الخطی این ادوات بی‌اعتنا بوده و با انگاشتهایی متنوع، معادل‌های نادرستی را در برگردان این ادوات ارائه کرده‌اند.

«بحث في إفادة إنما للحصر، وما ورد في كتاب التفسير الكبير»، محمد احسانی فر لنگرودی، دانش‌ها و آموزه‌های قرآن و حدیث، سال اول شماره ۳، زمستان ۱۳۹۸؛ نوشتار حاضر با عنوان «يادداشت آزاد» در دو صفحه به منابعی که به حصریه بودن «إنما» تأکید دارند، اشاره کرده و در ادامه متعرض نظر صاحب تفسیر کبیر شده که مخالف حصریه بودن «إنما» در آیه ۵۵ سوره مائدہ است.

«نقد بلاغی قصر در برخی از ترجمه‌های قدیم و جدید قرآن کریم»، سیمین ولوی، طاهره تیزغم، دوره ۳، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۱؛ در این مقاله به تمام شیوه‌های قصر و ترجمه آنها به طور اعم پرداخته شده که «إنما» هم جزء یکی از این موارد است اما فقط در ده آیه، مترجم ترجمه آن را در ترجمه مترجمین گزارش کرده است.

اغلب پژوهش‌هایی که اشاره شد به صورت کلی، قصر را مورد بررسی قرار داده‌اند و به صورت اختصاصی وارد موضوع «إنما» نشده‌اند. برخی دیگر نیز شمولیت مقاله حاضر را نداشته ویا به بررسی ترجمه مترجمانی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده، نپرداخته‌اند. مقاله حاضر ضمن بررسی اختصاصی ترجمه «إنما» در قرآن کریم، به تمام خطاهایی که در ترجمه آن در ترجمه مترجمان رخ داده، پرداخته و با بررسی دقیق آماری و تحلیلی، بهترین ترجمه‌ها را در رابطه با «إنما» معرفی کرده است.

۲- بحث و بررسی

۱-۲- قصر و روش‌های آن

قصردر لغت، به معنای کوتاه کردن و حبس نمودن است و در اصطلاح، اختصاص دادن امری به امر دیگر به طریق مخصوص و نفی آن از غیر اوست (تفتازانی، ۱۳۳۰: ۲۰۴).

قصر روش‌های گوناگونی دارد اما چهار روش زیر مورد اتفاق بلاغت‌شناسان است.

- قصر به وسیله «إنما»، **﴿فَإِنَّمَا عَلِيَّكَ الْبَلَاغُ﴾** (آل عمران / ۲۰)

- قصر به وسیله نفی و استثناء. **﴿إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَّرٌ مِّثْلًا﴾** (ابراهیم / ۱۰)

- قصر به وسیله عطف با «لا»، «بل» و «لکن»؛ مانند: «الأرض متحركة لا ثابتة».

- قصر به جهت مقدم آوردن چیزی که باید مؤخر شود؛ مانند **﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾** (سکاکی،

۱۹۸۱: ۵۰۸؛ قزوینی، ۱۴۰۵: ۱۱۸؛ قزوینی، ۱۹۸۲: ۷۶؛ تفتازانی، بی.تا، ج ۲: ۱۶۶).

۲-۲- إنما، ساختار، ترکیب و معانی آن

«إنما» از دو کلمه **إن** و **ما** تشکیل شده است؛ «إن» همان است که قبل از ورود «ما»، ناصب اسم بود و **ما** از نوع مایی است که در جمله «ليتما أخوك منطلق» وجود دارد و زائده است (سیوطی، بی.تا: ۱۴۵) و **إن** را از عمل کردن منع می‌کند. إنما آنچه را که بعد از آن می‌آید اثبات و غیر آن را نفی می‌کند (جرجانی، بی.تا، ج ۱: ۳۲۸). إن بر سر جمله اسمیه می‌آید و بر سر خبر نمی‌آید؛ اما پس از ترکیب دو حرف و حاصل شدن إنما، می‌تواند بر سر جمله فعلیه نیز بیاید. صحیح‌ترین معادل معنایی إنما: فقط، تنها و منحصر است.

۲-۱- إنما به عنوان ادات حصر و معنای آن

«إنما» افاده حصر می‌کند که بر این مطلب چند دلیل آورده‌اند:

دلیل اول: عرب إنما را پس از ترکیب آن از دو حرف، در جایگاه حصر استعمال کرده-

اند و آن را به دلیل اینکه در حکم با ما و إلا مشارکت دارد، بر حصر اختصاص داده‌اند؛ چرا که آن‌ها، إنما را همچون کاربرد ما و إلا، به کار برده‌اند (سیوطی، بی.تا، ج ۴: ۱۴۵). همچنان‌که این واژه براساس نظر مفسران در رابطه با سخن خدای متعال، **﴿إِنَّمَا حَرَمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمْ وَ لَحْمَ الْخِتْرِيزِ وَ مَا أَهِلٌ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ﴾** (بقره / ۱۷۳)، متنضم معنای ما و إلا است.

دلیل دوم: براساس نظر نحویان، إنما برای اثبات مابعد و نفی غیر آن است.

دلیل سوم: به خاطر صحیح بودن انصصال ضمیر همراه آن؛ مثل «إنما يضرب أنا»، همچنان که گفته می‌شود «ما يضرب إلا أنا» مثل این بیت از فرزدق:

يَادِفِعُ عَنْ أَهْسَابِهِمْ أَنَا أَوْ مِثْلِي
أَنَا الْدَّائِدُ الْحَامِيُ الدَّمَارُ وَإِنَّمَا...
يَا أَنَا بَيْتٌ

قَدْ عَلِمْتُ سَلْمِي وَجَارَاتِهَا...
مَا قَطْرَ الْفَارَسِ إِلَّا أَنَا

(قروینی، ۱۴۰۵، ج ۳: ۲۵-۲۸؛ دسوقی المالکی، ۲۰۱۱، ج ۲: ۳۵۵-۳۵۶؛ سکاکی، بی‌تا، ج ۱: ۴۳؛
جرجانی، ۲۰۱۱، ج ۸۰: ۲۰۱۸؛ صابرالکردی، ۲۱۶: ۲۰۱۸)

به بیان دیگر، زمانی که فاعل به واسطه ما و إلا محصور می‌شود، چاره‌ای نیست جز اینکه فاعل (یا نائب فاعل) به بعد إلا متقل شود و در این حالت به صورت منفصل می‌آید مثل: «ما ضرب إلا أنا»، «ما ضرب إلا أنت». این انحصار و به دنبال آن انصصال ضمیر، در ترکیب جمله إنما نیز صحت دارد.

اکثر نحویان، زبان‌شناسان و مفسران قائل به حصریه بودن إنما هستند؛ از جمله: سیوطی، بن منظور، بن هشام، فیروزآبادی، جوهري، سکاکی، تفتازانی، عبدالقاھر جرجانی، زمخشری و... (ر.ک: لنگرودی، ۱۳۹۷: ۱۵۷-۱۵۸) نحویون گفته‌اند: اصل إنما، ما است که إن را از عمل ملغی کرده و معنی إنما، اثبات مابعد آن ونفي غير آن است؛ مثل إنما يدافع عن أحبابهم أنا أو مثلي (ازهری، ۲۰۰۱: ۳۸۴).

۲-۳- إنما به عنوان ادات تاکید و معنای آن

در برابر تعداد کثیری از علماء نحو و لغت و اصول فقه که اعتقاد به حصریه بودن «إنما» دارند، افراد اندکی هم‌چون ابوحیان اندلسی، آمدی و بن عطیه، اعتقاد دارند که این واژه برای حصر وضع نشده و مفید تأکید است. به عنوان نمونه، ابوحیان در رابطه با «إنما» چنین می‌گوید: «إنما» برای حصر نیست و «ما»ی إنما با أن، مثل كأن و لعل است. همچنان که در تشییه و ترجمی افاده حصر نمی‌کند، همین‌طور با أن نیز افاده حصر نمی‌کند» (ابوحیان الأندلسی، ۱۴۲۰، ج ۷: ۴۷۳). در پاسخ به این نظر، باید گفت که این استدلال ضعیفی است؛

چرا که «آن» با «کآن» و «لیت» هم‌شکل و هم معنا نیستند که نتیجه‌ای که برای آن‌ها می‌گیریم به إنما هم تعیین دهیم.

نکته دیگر اینکه این مفسر بزرگ در مورد «إنما» دیدگاه یکسان نداشت و گاه نظرات متناقضی در این زمینه دارد؛ از جمله در تفسیر آیه **﴿إِنَّمَا مُثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءُ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ﴾** (یونس / ۲۴) می‌گوید: «إنما هُنَّا لَيْسَتِ لِلْحَضْرِ لَأَوْضَعًا وَلَا أَسْتَعْمَلًا» (ابوحیان الاندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۳۶) نمی‌توان گفت که إنما جایی برای حصر وضع شده و جای دیگر غیر حصر. وضع این نظر هم به خود آشکار است.

علیرغم این که ابوحیان معتقد است «إنما» برای حصر وضع نشده اما خود در تفسیر آیه **﴿فَقَالُوا إِنَّمَا سَكَرْتُ أَبْصَارُنَا بِلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ﴾** (حجر / ۱۵) با این عبارت «وجاء لفظ إنما مُشعراً بالحصر، كأنه قال: ليس ذلك إلا تشكيراً للأبصار» (ابوحیان الاندلسی، ۱۴۲۰، ج ۶: ۴۷۰)، به حصریه بودن انما تصریح می‌کند. وی در تفسیر آیه **﴿إِنَّمَا ذِلْكُمُ الشَّيْطَانُ يَحْوِفُ أُولِيَّاءَهُ﴾** (آل عمران / ۱۷۵) نیز، تسلیم نظر صاحبان اصول فقه شده و حصریه بودن آن را قبول می‌کند (رک: ابوحیان الاندلسی، ۱۴۲۰، ج ۳: ۴۳۹) و در تفسیر برخی آیات مثل **﴿إِنَّمَا يَحْشِي اللَّهُ مِنْ عِبَادِ الْعُلَمَاءِ﴾** (فاطر / ۲۸) به نظر دیگران از جمله زمخشri (قاتل به حصر) و ابن عطیه (قاتل به اختصاص نه حصر) (رک: ابوحیان الاندلسی، ۱۴۲۰، ج ۹: ۳۱) استناد کرده و نظری ابراز نمی‌کند.

تعداد زیاد إنما در قرآن نشان دهنده موجودیت مستقل آن برای یک مفهوم خاص است. در اغلب آیاتی که إنما وجود دارد، همین مفسر، حصر را دریافت می‌کند هر چند به زعم وی، این حصر از سیاق فهمیده می‌شود.

ابن عطیه نیز در تفسیر آیه **﴿إِنَّمَا يَحْشِي اللَّهُ مِنْ عِبَادِ الْعُلَمَاءِ﴾** (فاطر / ۲۸) می‌نویسد: «إنما» در این آیه برای تخصیص «علماء» آمده است نه حصر و واژه‌ای است که هم برای حصر صلاحیت دارد و هم برای معانی‌ای غیر از آن (حصر) می‌آید و این به حسب سیاقی است که در آن آمده است» (ابن عطیه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۴۳۷).

در نقد کلام ایشان، مبنی بر اینکه «إنما» هم برای حصر و غیر آن صلاحیت دارد و این امر براساس سیاقی است که آمده، دو ایراد وارد است:

ایراد اول؛ اینکه نمی‌توان گفت لفظی بر هر معنایی (حصر و غیر آن) صلاحیت دارد.

مثل این است که بگوییم، مثلاً إنَّ هم برای تأکید و هم غیر آن صلاحیت دارد.

ایراد دوم؛ اگر معنای واژه‌ی «إنما» را به سیاق کلام محدود کنیم در این صورت این سیاق است که آن معنی را ارائه می‌دهد نه إنما؛ پس إنما استقلال معنایی ندارد و این باطل است.

۴-۲- إنما تركيبي از إن + مای موصوله و معنای آن

إنما در مواردی هم، إنمای حصریه نبوده و تركیبی از إن + مای موصوله است که در رسم الخط، به صورت متصل نگاشته شده است که این رسم الخط صحیح نبوده و باید به صورت منفصل نوشته می‌شد (ر.ک: روحی برندق و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۶). همچون این آیه:

﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ﴾ یا این آیه ﴿إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ حَيْثُ لَكُم﴾ (نحل / ۹۵)

«ما» موصول نیز با معادل «که، آنچه، چیزی که، هرآنچه که» (آذرنوش، ۱۳۹۱: ۹۹۵)

ترجمه می‌شود؛ هرچند در این معادل «آنچه» به دلیل روانی و اشتعمال روشن بر مقصود کلیتی «ما»ی موصول راجح‌تر بوده. (روحی برندق، ۱۳۹۶: ۱۶۷) و برای ترکیب إن + ما موصوله، معادل «به تحقیق آن چه» صحیح‌تر است.

۵-۲- إنما (آنما) تركيبي از ان + مای مصدریه و معنای آن

گاهی نیز ممکن است بعد از إن، مای مصدریه بیاید اما مثل إنمای حصریه در قرآن به صورت متصل نوشته شده است که باید دقت کرده و با إنمای حصریه اشتباه گرفته نشود. در این حالت، ما به همراه فعل بعدی، به صورت مصدر ترجمه می‌شود. نمونه این حالت آیه ﴿وَلَا يَخْسِئَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّمَا تُمْلِي لَهُمْ حَيْثُ لَا نُفْسِيْهِم﴾ (آل عمران / ۱۷۸) است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳- تفاوت معنایی «إنما» با «ما و إلا»

حصر به معنای اخص، همان «قصر» در اصطلاح اهل بلاغت و به معنای «اختصاص دادن چیزی به چیزی، و نفی آن از چیزهای دیگر» است (القصر فی الاصطلاح تخصیص شیء بشیء بعبارة مخصوصة). حصر به این معنا در مقابل استشنا است، اما حصر به معنای اعم شامل قصر و استشنا (که معنای مطابقی آن اخراج است) می‌شود (فرهنگ نامه اصول فقه، ج ۱: ۷۶۴، ۱۳۸۹).

«إنما» مترادف با «ما و إلا» نیست؛ چه اینکه شرط مترادف این است که از نظر معنی و مفرد و مرکب بودن به یک شکل باشند (صعیدی، ۱۴۲۰، ج ۱: ۱۱). «إنما» برای اثبات چیزی که پس از آن می‌آید و نفی موارد غیر آن است (صعیدی، ۱۴۲۰: ۱۳).

تفاوت دیگر، مطلبی است که دکتر انیس به آن پی برده که اولی تأکید اثبات است، دومی تأکید نفی (صادانی، ۴۳۸: ۴۰). به این صورت که زمانی که جمله مسبوق به اثبات باشد، قصر با إنما می‌آید؛ مثل آیه ﴿إِنَّمَا الْأَيَّاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (عنکبوت / ۵۰) و زمانی که مسبوق به نفی باشد با ما و إلا می‌آید (أنیس: بی تا: ۱۹۴). مزیت دیگری که إنما دارد، اثبات یک چیز و نفی آن حکم از غیرش، در یک آن فهمیده می‌شود برخلاف عطف و ما و إلا (صعیدی، ۱۴۲۰: ۱۸).

روشن است که تفاوت لفظ، تفاوت معنا را ایجاب می‌کند. نظر به اهمیت و حساسیت ترجمه قرآن کریم بهتر است که این تفاوت لفظی و معنایی در ترجمه مورد توجه مترجم قرار گرفته و این دو عین هم ترجمه نشوند.

۴- خطاهای رایج در ترجمه «إنما»

۴-۱- ترجمه إنمای حصری به صورت تأکیدی

در آیات فراوانی مترجمان، «إنما» را به صورت ادات تأکید ترجمه کرده‌اند؛ هر چند «إنما» تغییر یافته «إن» است و در عمق معنای خود تأکید را با خود دارد، اما ذکر این نکته حائز اهمیت است که پس از آمدن «ما»ی کافه، این واژه مختص ادات حصر شده و مفید حصر

است؛ اهمیت و ضرورت دقت به ترجمه «إنما» مخصوصاً در قرآن کریم که کتاب آسمانی است و هیچ واژه و حرفی در جای نامناسب خود استعمال نشده و هر واژه‌ای در هر جایگاهی اهمیت و نقش خاص خود را دارد، مضاعف است.

در زیر، نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم که نشان‌گر حصریه بودن «إنما» هستند، همراه با

توضیح ارائه می‌شود:

﴿فَأُفْضِيَ مَا أَنْتَ فَاضِي إِنَّمَا تَفْضِي بِهِنْدِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (طه / ۷۲)

اگر «إنما» به صورت تأکیدی ترجمه شود، ترجمه چنین می‌شود: تو قطعاً زندگی دنیوی را قضاوت می‌کنی؛ پس چیزی که اینجا مهم بوده، این است که قضاوت این دنیا را برای مخاطب (فرعون) اثبات و تأکید می‌کنیم، در حالی که براساس سیاق چنین نیست. اما وقتی به صورت ادات حصر ترجمه شود، به این صورت خواهد بود:

تو فقط این زندگی دنیوی را حکم می‌کنی؛ در این ترجمه حکم آخرت از مخاطب سلب شده و به طریق تحریرآمیز، صرفاً قضاوت دنیا به این فرد اختصاص داده شده است. دلیل و شاهد مثال دیگری که نشان دهنده تفاوت معنای حصر و تأکید است ترجمه آیه زیر است که دو نفر از مترجمان، «إنما» را به صورت ادات تأکید ترجمه کرده‌اند:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتَابِعُونَكَ إِنَّمَا يَتَابِعُونَ اللَّهَ﴾ (فتح / ۱۰)

خرمشاهی: بی‌گمان کسانی که با تو بیعت می‌کنند، در واقع با خداوند بیعت می‌کنند.
الهی قمشه‌ای: همانا مؤمنانی که (در حدیبیه) با تو بیعت می‌کنند، به حقیقت با خدا بیعت می‌کنند.

در این آیه شریفه هم واژه «إن» به کار رفته و هم واژه «إنما»؛ چنانچه «إنما» به معنای «إن» باشد، دلیلی برای آوردنش نبود. پس روشن است که «إنما» مفید حصر بوده و به معنای «إن» نیست.

ترجمه پیشنهادی: در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند صرفاً با خدا بیعت می‌کنند.

در مورد تفاوت معنای حصر و تأکید صحبت کردیم؛ اما گاهی شرایطی پیش می‌آید که تشخیص تأکید و حصریه سخت می‌شود؛ چرا که در آن شرایط، معنای تأکید تناظری با سیاق پیدا نمی‌کند. اما نکته اینجاست که در چنین شرایطی «إنما» نیز براساس اصل ترجمه شود؛ به طوری که معنای حصر افاده شود. در چنین حالتی معنای تأکید را هم با خود خواهد داشت. اما اگر به صورت تأکیدی ترجمه کنیم دیگر معنای حصر از آن برداشت نمی‌شود.

آیه زیر از مواردی است که همه مترجمان به صورت تأکیدی ترجمه کرده‌اند:

﴿وَإِنَّمَا تُوْفَّونَ أَجْوَرَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ (آل عمران / ۱۸۵)

انصاریان: بدون تردید روز قیامت پاداش‌هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود.

خرمشاهی: بی‌شک در روز قیامت پاداش‌هایتان را به تمامی خواهند داد.

فولادوند: همانا روز رستاخیز پاداش‌هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود.

الهی قمشه‌ای: محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید.

مکارم شیرازی: شما پاداش خود را بطور کامل در روز قیامت خواهید گرفت.

مفهوم آیه این است که تمام و کمال گرفتن پاداش صرفا در روز قیامت صورت خواهد گرفت. در تفسیر کشاف هم در ذیل آیه بیان شده است که تمام پاداش و ثواب صرفا در روز قیامت به فرد مکلف خواهد رسید (مخشری، ۱۴۱۸، ج ۱: ۷۰)؛ چرا که «هر منفعتی که در دنیا به فرد مکلف می‌رسد، همراه با غم و غصه و ترس از بین رفتن و تمام شدن هست؛ در حالی که پاداش تمام و ثواب کامل صرفا در روز قیامت به مکلف خواهد رسید» (رازی، بی‌تا: ج ۹: ۱۳۰).

در این آیه قصر قلب وجود دارد؛ به این ترتیب که مؤمنانی را که ناراحتی کشته‌ها و شکست‌شان به آن‌ها رسیده، همچون کسی در نظر گرفته که از اعمالش فقط متظر منافع دنیا که پیروزی و غنیمت است، در حالی که پاداش کامل در روز آخرت به آن‌ها می‌رسد

(بن عاشور، بی‌تا، ج ۴: ۱۸۸). حاصل سخن آن‌که إنما در آیه فوق باید به صورت حصری ترجمه شود نه تأکیدی.

ترجمه پیشنهادی: پاداش‌تان را صرفا در روز قیامت به طور کامل خواهید گرفت.

در نمونه زیر نیز، هیچ کدام از مترجمان، إنما را ترجمه نکرده‌اند:

﴿وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلٍ يَا قَوْمٌ إِنَّمَا فُتِّشْتُمْ بِهِ﴾ (طه / ۹۰)

انصاریان: و به راستی هارون پیش از این به آنان گفته بود: ای قوم من! شما به وسیله این گوساله مورد امتحان قرار گرفته‌اید.

خرمشاهی: و هارون پیش از آن به آنان گفته بود، ای قوم من شما با آن امتحان پس می‌دهید.

فولادوند: و در حقیقت هارون قبل از آن گفته بود ای قوم من شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید

الهی قمشه‌ای: و هارون هم پیش از آنکه موسی باز آید به آنان گفت: ای قوم، این گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردیده.

مکارم شیرازی: و هارون قبل از آن به آنها گفته بود که ای قوم! شما به این وسیله مورد آزمایش قرار گرفتید.

ترجمه پیشنهادی: و به تحقیق هارون قبل از آن، به آنان گفته بود ای قوم من! شما به وسیله این گوساله، صرفا مورد امتحان قرار گرفته‌اید. (و خدای شما نیست).

در نمونه زیر نیز، همچنان‌که ملاحظه می‌شود، سه مترجم اول به صورت ادات تأکیدی ترجمه کرده‌اند و دو مترجم آخر، ترجمه نکرده‌اند.

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُؤْكِلُكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَعْضَاءَ فِي الْحَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصْدَدُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ﴾ (مائده / ۹۱)

انصاریان: مسلمًا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه [سخت] اندازد، و از یاد خدا و نماز بازتابان دارد.

خرمشاهی: همانا شیطان می‌خواهد در پرداختن به شراب و قمار، بین شما دشمنی و کینه بیندازد، و شما را از یاد خداوند و از نماز بازدارد.

فولادوند: همانا شیطان می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد.

الهی قمشه‌ای: شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما عداوت و کینه بر انگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد.

مکارم شیرازی: شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و از نماز باز دارد.

ترجمه پیشنهادی: شیطان فقط می‌خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند.

در ترجمه آیه ذیل نیز، سه انتخاب پیش روی مترجمان بوده است؛ انصاریان، فولادوند و مکارم، آن را ترجمه نکرده‌اند. خرمشاهی به صورت تأکیدی ترجمه کرده و قمشه‌ای به صورت ادات حصر. البته استفاده از واژه «منحصر» نیز باعث می‌شود ترجمه‌ای رسا و شفاف ارائه نشود.

﴿أَوْ نَهُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آباؤُنَا مِنْ قَبْلٍ﴾ (اعراف / ۱۷۳)

انصاریان: یا نگویید: پدرانمان پیش از ما مشرك بودند.

خرمشاهی: یا مبادا بگویید همانا پدران ما در گذشته شرک آورده بودند.

فولادوند: یا بگویید پدران ما پیش از این مشرك بوده‌اند.

الهی قمشه‌ای: یا آنکه نگویید که منحصرا پدران ما به دین شرک بودند.

مکارم شیرازی: یا نگوئید پدران ما قبل از ما بت پرستی را اختیار کردند.

ترجمه پیشنهادی: «یا (مبادا) بگویید: پدرانمان پیش از (ما) فقط شرک می‌ورزیدند، و (ما هم) نسلی بعد از آنان بودیم» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳: ۱۷۳).

۴-۲- خطاب در تشخیص طرفین قصر در ترجمه «إنما»

در برخی موارد، مترجم به وجود «إنما» دقت کرده و مفهوم قصر را در ترجمه گنجانده است؛ اما در تشخیص مقصور و مقصور علیه به خطاب رفته و ترجمه صحیحی را در ارائه طرفین قصر، انجام نداده است.

﴿إِنَّمَا أَمْوَاتُ أَنْ أَغْبُدَ رَبَّ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا﴾ (نمل / ۹۱)

انصاریان: من فقط فرمان یافته‌ام که پروردگار این شهر را که آن را بسیار محترم شمرده

پرسن.
...

فولادوند: من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده ... پرسش

کنم.

الهی قمشه‌ای: (ای رسول بگو) من مأمورم که منحصراً خدای این بلد (مگه معظمه) را
که بیت الحرامش قرار داده... پرسش کنم.

در این آیه که به شیوه قصر اضافی آمده، فرمان یافتن، مقصور به عبادت خداوند شده است؛ در این حالت «أمرت» مقصور و «أن أعبد»: مقصور علیه است. در حالی که در ترجمه فولادوند و قمشه‌ای، پرسش مقصور به خدای این سرزمین شده است؛ از این رو «أعبد» مقصور و «رب هذه البلدة» مقصور علیه در نظر گرفته شده که نادرست است. ترجمه پیشنهادی هم، ترجمه انصاریان است.

﴿إِنَّمَا أَهْرَهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (يس / ۸۲)

انصاریان: شأن او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند، فقط به آن می-

گوید: باش، پس بی درنگ موجود می‌شود.

خرمشاهی: امر او چون [آفرینش] چیزی را اراده کند، تنها همین است که به آن

می‌گوید موجود شو، [و بی درنگ] موجود می‌شود.

فولادوند: چون به چیزی اراده فرماید کارش این بس که می‌گوید باش پس [بی درنگ]

موجود می‌شود.

الهی قمشه‌ای: فرمان نافذ او چون اراده خلقت چیزی کند به محض اینکه گوید:
«موجود باش» بلاfacسله موجود خواهد شد.

مکارم شیرازی: فرمان او تنها این است که هر گاه چیزی را اراده کند به او می‌گوید:
موجود باش آن نیز بلاfacسله موجود می‌شود!

«امر» در این آیه به معنای «شأن» است؛ **﴿إِنَّمَا أَفْرَزَهُ﴾** یعنی: منحصراً شأن او «زمانی که چیزی را اراده کند» **﴿إِذَا أَرَادَ شَيْئًا﴾** و حکمت و مصلحتش چیزی را ایجاب کند، «این است که به آن می‌گوید: باش. پس ایجاد می‌شود» **﴿أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾** (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ۵: ۳۸۳). همچنان که در ترجمه آیه فوق ملاحظه می‌شود وجود «إنما» مفید حصر است اما باید توجه داشت که «أمره» که مقصور است، مقید شده است و آن تقييد اين است: «إذا أراد شيئاً»؛ پس لازم است ترجمه مقصور در کنار مقید خود صورت گيرد تا احياناً نكته خلاف آن برای مخاطب تلقین نشود. همچنان که خرمشاهی و مکارم بدون در نظر گرفتن تقييد، ترجمه کرده‌اند: «فرمان او تنها این است...» انصاریان و فولادوند ترجمه درستی ارائه کرده‌اند.

﴿إِنَّمَا اتَّحَدُنُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْ تَانَا مَوَدَةَ بَيْنَكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (عنکبوت / ۲۵)

انصاریان: جز این نیست که به جای خدا بت‌هایی را [برای خود به عنوان معبد] گرفته‌اید [که علت آن] دوستی میان خودتان در زندگی دنیاست.
خرمشاهی: همانا به جای خداوند بتانی را می‌پرستید که در زندگانی دنیا مایه دوستی ورزیدن بین شماست.

فولادوند: جز خدا فقط بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست.

الهی قمشه‌ای: (ای مردم شما خود می‌دانید که) بت‌هایی را که به جای خدای یکتا به خدایی برگرفته‌اید تنها برای حفظ دوستی (و استفاده مادی دو روزه) دنیای خود اتخاذ کرده‌اید.

مکارم شیرازی: شما غیر از خدا بت‌هائی برای خود انتخاب کردید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد.

مفهوم آیه این است که شما بت پرستی را به این دلیل اتخاذ کردید که مایه دوستی و الفت بین شما در دنیا باشد (بن کثیر، بی‌تا، ج ۳: ۴۴۸). «و بر این اساس، مفعول له علت برانگیزاننده این کار است» (الوسی، ۱۸۸۳، ج ۶: ۴۰۵)؛ پس «مقصوص‌علیه [إنما]»، مفعول له (موده) است» (بن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۰: ۲۳۵)؛ به دیگر سخن، اتخاذ بت پرستی به حفظ دوستی در دنیا مقصور شده است که بر این اساس قمشه‌ای ترجمه درستی ارائه کرده است. در ترجمه انصاریان و فولادوند، اتخاذ (معبود)، منحصر و مقصور به بت‌ها شده است.

﴿إِنَّمَا يَأْمُرُ كُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَنْهُلُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره / ۱۶۹)

انصاریان: فقط شما را به بدی و زشتی فرمان می‌دهد.

فولادوند: [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می‌دهد.

الهی قمشه‌ای: این دشمن است که به شما دستور زشتی و بدکاری می‌دهد.

مکارم شیرازی: او شما را فقط به بدی‌ها و انحرافات فرمان می‌دهد.

در آیه فوق، دستور دادن (یامر) مقصور و بدی و زشتی (السوء والفحشاء) مقصور علیه است. که فولادوند و مکارم ترجمه درستی انجام داده‌اند. اما در ترجمه قمشه‌ای، قصر روی دشمن صورت گرفته؛ یعنی دستور دادن به بدی و زشتی، منحصر به دشمن شده و دشمن مقصوص‌علیه قرار گرفته در حالی که موضوع روی دستور دادن شیطان است که به بدی اختصاص داده شده است.

در ترجمه انصاریان همچنین به نظر می‌آید که کلمه «شما» را مقصور در نظر گرفته؛ بهتر است یا بعد از «فقط»، ویرگول گذاشته شود و یا «فقط» در کنار مقصوص‌علیه آورده شود.

﴿إِنَّمَا يَدْعُو حِرْبَةً لِيَكُوُنُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعْيِ﴾ (فاطر / ۶)

انصاریان: [او] گروهش را فقط [به این سبب به فسق و فجور] دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان گردند.

خرمشاهی: جز این نیست که او حربش را دعوت می‌کند که سرانجام از دوزخیان باشند.

فولادوند: [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند.

الهی قمشه‌ای: او حزب و سپاهش را فرا می‌خواند تا همه (مانند او) اهل دوزخ باشند.

مکارم شیرازی: او فقط حربش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

«این جمله در قالب حصر ارائه شده تا دعوت شیطان را به هدف مذکور محصور نماید و با لام تعليل آورده تا گمان نشود که دعوت او خالی از آن هدف است» (بن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۲: ۲۶۱). پس هدفی که وی در دعوت پیروان خود دنبال می‌کند، این است که آن‌ها را وارد بدختی و تباہی کند و این‌که از اهل آتش دوزخ باشند (زمحشی، بی‌تا، ج ۳: ۵۹۹).

با این توضیح «يدعو» مقصور و «ليكونوا من أصحاب السعير» مقصورعلیه است. اما فولادوند، مقصورعلیه را به خطاب دریافته و «حزب» را به عنوان مقصورعلیه در نظر گرفته است. «[او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند» کلمه خود این امر را تأکید و اثبات می‌کند. در ترجمه خرمشاهی هم که از اسلوب «جز این نیست» استفاده شده است، مقصور و مقصورعلیه مشخص نیست. ترجمه انصاریان بهترین ترجمه در این باب است.

۴-۳- خطاب در تشخیص مای کافه از مای موصوله در «إنما»

«ما»ی کافه، «ما»ی است که بر عامل وارد شده، آن را از عمل باز می‌دارد؛ بدین سان که بر حرف جر و نواسخ و مانند آن وارد می‌شود در این حالت عمل نمی‌کنند؛ مثل «إنما الأمم الأخلاق» (عباس حسن، بی‌تا، ج ۲: ۳۵۳) که در این حالت مفید حصر خواهد بود. اما «ما»ی موصوله به معنای اسم موصول «الذی» است و استعمال آن با هر چیزی جایز است، ولی معمولاً با غیر عاقل استعمال می‌شود. مثل **﴿وَالْقِيَّ مَا فِي يَوْمَئِكَ تَلْقَفُ مَا صَنَّعُوا إِنَّمَا صَنَّعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ﴾** (طه/۶) موصول، اسمی است که فقط با وجود صله و عائد کامل می‌شود؛ چرا

که جزء اسم‌های مبهمی است که به چیزی نیاز دارد که معنای آن را توضیح دهد و ابهام آن را برطرف نماید. این کار از خلال کلامی صورت می‌گیرد که پس از آن می‌آید (ر. ک: بن صالح الفوزان، بی.تا: ۲۵۹؛ توفیق الحمد، ۱۴۱۴: ۳۰۰) «و به همراه جمله بعدی جانشین مصدر می‌شود» (عبدالتواب، ۱۴۱۴: ۱۸۷).

با این توضیح بر هر مترجمی مخصوصاً مترجمان قرآن کریم لازم است که نوع «ما» را تشخیص داده و براساس آن ترجمه نمایند.

﴿إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أُوْلَئِنَّا وَلَا يُلْهِنُونَ إِلَّا كَمَا﴾ (عنکبوت / ۱۷)

انصاریان: جز این نیست که شما به جای خدا بت‌هایی را می‌پرستید و [در نامگذاری آنها به آلهه و شفیع و مؤثر] دروغی را می‌سازید.

خرمشاهی: شما فقط بت‌هایی را به جای خداوند می‌پرستید و بهتانی بر ساخته اید.

فولادوند: واقعاً آنچه را که شما سوای خدا می‌پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی بر می‌سازید.

الهی قمشه‌ای: و بدانید که شما به جای خدا بت‌هایی (جماد و بی‌اثر) را می‌پرستید و دروغی می‌سازید (که نام خدا بر آنها می‌نهید).

مکارم شیرازی: شما غیر از خدا فقط بت‌ها (قطعات سنگ و چوبی) را می‌پرستید و دروغهایی به هم می‌بافید.

«إنما» در آیه فوق به غرض حصر به کار برد شده است. اما فولادوند در ترجمه آیه فوق، «إنما» را هم به صورت حصر ترجمه کرده و هم به صورت مای موصوله.

۴-۴- خطأ در تشخیص مای موصوله از مای مصدریه «ما»، لفظ مشترکی است که گاهی اسم است و گاهی حرف و این بحسب عود ضمیر به آن و عدم عود ضمیر و قرینه کلام فهمیده می‌شود.

ما موصوله به جمله پس از خود مرتبط بوده و به این خاطر، «ما»ی موصوله نامیده می‌شود و به دو قسم تقسیم می‌شود:

۱) اسمیه که به معنای «الذی» است.

۲) مصدریه که با مابعد خود به تأویل مصدر می‌رود (فارسی، ۲۰۰۴، ج ۲: ۵۰۰؛ رضی، ۱۹۹۶، ج ۴: ۴۴۰؛ بن الشجری، بی‌تا، ج ۲: ۵۵۶؛ مالقی، ۱۴۰۵: ۳۸۱).

ماء مصدریه خود دو نوع است:

۱) مصدریه غیر زمانیه مثل: أَحَبَّ مَا صنعتُ (فارسی، ۲۰۰۴: ج ۲: ۵۰۰).

۲) مصدریه زمانیه که مای ظرفیه نیز نامیده می‌شود. مثل: أَنَا مُقِيمٌ مَا أَقْمَتُ؛ یعنی تا زمان اقامت (سیوطی، ۱۹۸۷، ج ۱: ۱۱).

«إنما» در آیه زیر، در واقع «أنّ+ما» است که به صورت متصل نوشته شده است و «ما» در آن مصدریه است.

﴿وَلَا يَحْسَبَنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ حَيْثُ لَا تُنْسِهِمْ﴾ (آل عمران / ۱۷۸)

انصاریان: و کسانی که کافر شدند، گمان نکنند مهلتی که به آنان می‌دهیم به سودشان خواهد بود.

خرمشاهی: و کافران هرگز مپندازند که چون مهلت‌شان می‌دهیم به سود آنان است.

فولادوند: و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند این که به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست.

الهی قمشه‌ای: آنان که به راه کفر رفتند گمان نکنند که مهلتی که ما به آن‌ها می‌دهیم به حال آنان بهتر خواهد بود.

مکارم شیروازی: آن‌ها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است!

ما و فعل مصدر هستند و تقدير آن چنین است که کسانی که کافر شده‌اند، گمان نکنند که فرصت دادن ما بر ایشان، به سودشان است (ر.ک: آلوسی، ۲۰۱۴، ج ۲: ۳۴۶؛ قرطبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۸۳؛ طبری، بی‌تا، ج ۳: ۵۲۷؛ دعا، ج ۱۴۲۵: ج ۱: ۱۷۴).

انصاریان و قمشه‌ای «ما» را به صورت موصوله ترجمه کرده‌اند: (مهلتی که...) فولادوند به صورت مصدریه ترجمه کرده: (اینکه به آن‌ها مهلت دهیم...) خرمشاهی به صورت مصدریه زمانیه ترجمه کرده: (چون مهلتشان دهیم) و «مکارم با شرطی ترجمه کردن آنما، معادلی کاملاً اشتباه ارائه داده است» (روحی برندق و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۲).

۴-۵- خطأ در معادل يابي معنائي «إنما»

براساس بررسی تمام آیاتی که در آن «إنما» به کار رفته، معادل‌های معنایی زیر در ترجمه این پنج مترجم ملاحظه می‌شود:

تنها، فقط، همین، جز این نیست؛ ﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ﴾ (آل‌آلیاء / ۱۰۸)

مکارم شیرازی: بگو تنها چیزی که به من وحی می‌شود این است که معبد شما خدای یگانه است،

انصاریان: بگو: به من فقط وحی می‌شود که معبد شما خدای یکتاست.

خرمشاهی: بگو همین به من وحی می‌شود که خدای شما خدای یگانه است.

فولادوند: بگو جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است.

منحصر؟ ﴿قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي﴾ (اعراف / ۱۸۷)

الهی قمشه‌ای؛ علم آن منحصر نزد رب و خدای من است،

بس؛ ﴿يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ﴾ (احزاب / ۶۳)

الهی قمشه‌ای: مردم از تو می‌پرسند که ساعت قیامت کی خواهد بود؟ جواب ده که آن را خدا می‌داند و بس.

مریم بخشی

که؛ ﴿إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْكَانُ يُحَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَحَافُظُهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ﴾ (بقره / ۱۷۵) خرمشاهی: آن شیطان است که دوستدار انش را می‌ترساند، اگر مؤمنید از آنان نترسید و از من بترسید.

بلکه؛ ﴿لَا تَحْسِبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُوَحِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشَخَّصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾ (ابراهیم / ۴۲)

الهی قمشه‌ای: و (ای رسول ما) هرگز مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است؛ بلکه (کیفر) ظالمان را به تأخیر می‌افکند تا آن روزی که چشم‌ها (یشان) در آن روز خیره و حیران است.

مکارم شیرازی: و گمان مبر که خدا از کارهای ظالمان غافل است؛ (نه، بلکه کیفر) آن‌ها را تاخیر انداخته برای روزی که چشم‌ها در آن (از ترس و وحشت) از حرکت باز می‌ایستد. نکته اینجاست که معادل «جز این نیست»، معادل درستی نیست؛ به این خاطر که طرفین قصر (مقصور و مقصورعلیه) در آن مشخص نمی‌شود و به طور واضح و آشکار، برای خواننده روشن نیست. معادل «بلکه» نیز هر چند در برخی موارد نشان‌گر قصر بوده، اما معادل شایسته‌ای نیست که بتوان در تمام موارد آن را به کار برد، از طرف دیگر «بلکه» معادل «بل» از دیگر روش‌های قصر است، «که» هم معادلی است که برای مخاطب عادی که ظرایف بلاعی را نمی‌داند انتخاب درستی نیست.

۴-۶- خطأ در ترجمه يكسان «إلا» و «إنما»
همچنان که بیان شد، «إنما» متراծ با «ما و إلا» نیست؛ اولی تأکید اثبات است، دومی تأکید نفی و تفاوت ساختاری، تفاوت معنایی ایجاد می‌کند.
در جدول زیر دو آیه با مفهوم مشابه با ادات حصر متفاوت «إنما» و «إلا» را بررسی می-
کنیم:

جدول (۱): خطای در ترجمه یکسان «الا» و «إنما»

| الا | إنما | |
|--|--|-----------------|
| ﴿إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ﴾ (فاطر / ۲۳) | ﴿وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (ملک / ۲۶) | مترجم |
| تو فقط بیم دهنده‌ای آشکارم. | من <u>تنها</u> بیم دهنده‌ای آشکارم. | انصاریان |
| تو نیستی مگر هشداردهنده‌ای. | من فقط <u>هشداردهنده‌ای</u> آشکارم. | خرمشاهی |
| تو <u>جز</u> هشداردهنده‌ای [بیش] نیستی. | من صرفاً <u>هشداردهنده‌ای</u> آشکارم. | فولادوند |
| تو <u>جز</u> آنکه (خلق را از کیفر اعمال بد) بتراستی به کاری مأمور نیستی. | من منحصراً <u>وظیفه‌ام</u> این است که شما را (از عذاب حق) بتراستم. | الهی قمشه‌ای |
| تو فقط انزار کننده‌ای (و اگر ایمان نیاورند نگران نباش وظیفه‌ات را انجام ده). | من فقط <u>بیم</u> دهنده آشکار هستم | مکارم شیرازی |

خرمشاهی و فولادوند و قمشه‌ای این تفاوت لفظی و معنایی را در ترجمه ادات حصر «إنما» و «الا» در نظر داشته و برای شرایط مختلف ترجمه یکسان ارائه نکرده‌اند. اما انصاریان و مکارم هر دو روش حصر را به یک شکل ترجمه کرده‌اند.

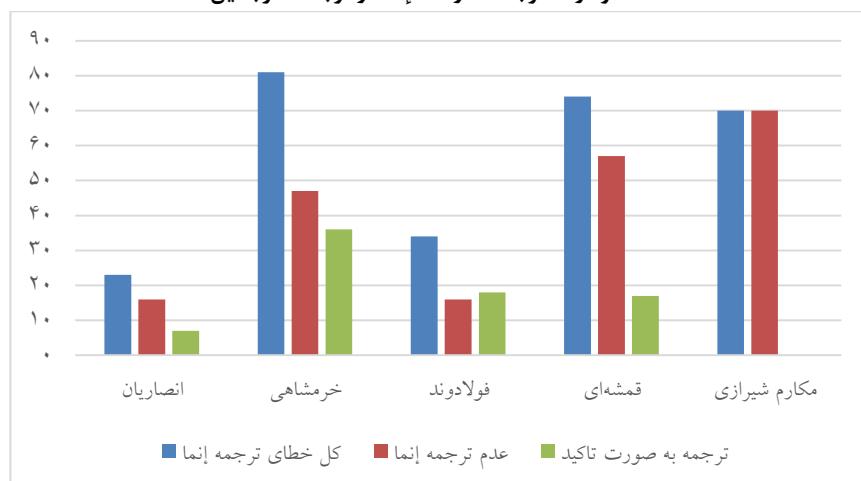
۵- بسامد عدم ترجمه و ترجمه نادرست «إنما» در ترجمه مترجمان در بررسی صورت گرفته، واژه «إنما» ۱۵۰ بار در قرآن آمده است که ۹ مورد از آن مربوط به (إنما) است؛ به عبارت دیگر واژه ما، ما کافه نبوده و مای مصدریه و موصوله است. در نهایت ۱۴۱ مورد مربوط به «إنما»ی قصر است. ترجمه «إنما» در همه این آیات بررسی شد و نتیجه‌ای که در جدول زیر ملاحظه می‌شود، به دست آمد.

جدول (۲): بسامد ترجمه نادرست إنما در قرآن

| ردیف | مترجم | كل خطای ترجمه إنما | عدم ترجمه إنما | ترجمه به صورت تأکید |
|------|--------------|--------------------|----------------|---------------------|
| ۱ | انصاریان | ۲۳ | ۱۶ | ۷ |
| ۲ | خرمشاهی | ۸۱ | ۴۷ | ۳۶ |
| ۳ | فولادوند | ۳۴ | ۱۶ | ۱۸ |
| ۴ | قمشه‌ای | ۷۴ | ۵۷ | ۱۷ |
| ۵ | مکارم شیرازی | ۷۰ | ۷۰ | * |

چنانکه ملاحظه می‌شود بیشترین خطای ترجمه إنما مربوط به خرمشاهی، قمشه‌ای و مکارم شیرازی است و کمترین خطأ، مربوط به انصاریان. و بیشترین خطأ در ترجمه إنما به صورت تأکیدی، مربوط به خرمشاهی و کمترین مربوط به مکارم است که صفر است.

نمودار ۱: ترجمه نادرست إنما در ترجمه مترجمین



۶- نتیجه‌گیری

«إن» که از حروف مشبهه بالفعل بوده و مفید تأکید است، پس از آمدن «ما»ی کافه، مختص ادات حصر شده و مفید حصر است؛ اهمیت و ضرورت دقت به ترجمه «إنما» مخصوصا در قرآن کریم که کتاب آسمانی است و هیچ واژه و حرفی در جای نامناسب استعمال نشده و هر واژه‌ای در هر جایگاهی اهمیت و نقش خاص خود را دارد، دو چندان است. با این وجود بسیاری از مترجمان، در تعداد فراوانی از آیات، «إنما» را به صورت تأکیدی ترجمه کرده و یا کلا ترجمه نکرده‌اند. در بررسی صورت گرفته، واژه «إنما» ۱۵۰ بار در قرآن آمده است که ۹ مورد از آن مربوط به (إن+ما) است؛ به عبارت دیگر واژه «ما»، کافه نبوده و مصدریه یا موصوله است. در نهایت ۱۴۱ مورد مربوط به «إنما»ی قصر است که ترجمه «إنما» در همه این آیات بررسی شد و نتایج زیر، به دست آمد.

۱- بیشترین خطای ترجمه مربوط به خرمشاهی (۸۱ مورد) و قمشه‌ای (۷۴ مورد) و مکارم شیرازی (۷۰ مورد) و کمترین مربوط به انصاریان (۲۳ مورد) است. بیشترین ترجمه تأکیدی نیز مربوط به خرمشاهی (۲۳ مورد) و کمترین مربوط به مکارم شیرازی (۰ مورد) است.

۲- نکته دیگر تفاوت «ما و إلا» و «إنما» در ترجمه است. إنما مترادف با «ما و إلا» نیست؛ به این دلیل که از نظر معنی و مفرد و مرکب بودن به یک شکل نیستند. مترجمان اغلب در ترجمه بین «إنما» و دیگر ادات حصر مخصوصاً «ما و إلا»، تفاوت قائل نشده و کم و بیش به صورت یکسان ترجمه کرده‌اند. خرمشاهی و فولادوند و قمشه‌ای این تفاوت لفظی و معنایی را در ترجمه ادات حصر «إنما» و «الا» در نظر داشته و برای شرایط مختلف ترجمه یکسان ارائه نکرده‌اند. اما انصاریان و مکارم هر دو روش حصر را به یک شکل ترجمه کرده‌اند. نظر به اهمیت و حساسیت ترجمه قرآن کریم بهتر است که این تفاوت لفظی و معنایی در ترجمه مورد توجه مترجم قرار گرفته و این دو عین هم ترجمه نشوند.

۳- خطای دیگر مترجمان در ترجمه إنما، این است که در برخی موارد طرفین قصر (مقصور و مقصور عليه) را به درستی تشخیص نداده و در ترجمه راه خطا رفته‌اند.

۴- تشخیص نادرست مای کافه از مای موصوله در «إنما» و «ما»ی موصوله از مای مصدریه، از دیگر خطاهایی هستند که در ترجمه «إنما» رخ داده‌اند.

۵- معادلهای معنایی که برای واژه «إنما» در ترجمه مترجمان انتخاب شده، موارد ذیل هستند: تنها، فقط، همین، جز این نیست، منحصراء بس، که، بلکه، جز آن که... نیست. نکته اینجاست که معادل «جز این نیست»، معادل درستی نیست به این خاطر که طرفین قصر (مقصور و مقصور عليه) در آن به طور واضح مشخص نمی‌شود. معادل «بلکه» نیز هر چند در برخی موارد نشان‌گر قصر بوده، اما معادل شایسته‌ای نیست که بتوان در تمام موارد آن را به کار برد، از طرف دیگر «بلکه» معادل «بل» از دیگر روش‌های قصر است. «که» هم معادلی

مریم بخشی
است که برای مخاطب عادی که ظرایف بلاغی را نمی‌داند انتخاب درستی نیست. از این رو بهترین معادل برای «إنما»، «نها»، «فقط» و «منحصر» است.

۷- منابع

*قرآن کریم

- ۱- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، تهران: نشر نی، (۱۳۹۱).
- ۲- الوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، المطبعة الكبرى المصرية، (۱۸۸۳ق).
- ۳- أندلسی، ابن عطیة، المحرر الوجيز فی تفسیر الكتاب العزيز، تحقيق: عبد السلام عبد الشافی محمد، بيروت: دار الكتب العلمية، (۱۴۱۳ق).
- ۴- ابن الشجیری، هبة الله بن علي، أمالي بن الشجیری، التحقيق: محمود محمد الطناحي، القاهرة: الخانجي، (بی.تا).
- ۵- ابن صالح الغوزان، عبدالله، دلیل السالک إلى أقیة بن مالک، د.م: دارالمسلم للنشر والتوزيع، (بی.تا).
- ۶- ابن عاشور، محمد الطاهر، التحریر والتنعیر، تونس: دارالتونسية للنشر، (۱۹۸۴م).
- ۷- ابن كثير، ابوالفداء الحافظ، تفسیر القرآن العظیم، بيروت: دارالفکر، (بی.تا).
- ۸- ابوحیان الاندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، المحقق: صدقی محمد جمیل، بيروت: دارالفکر، (۱۴۲۰ق).
- ۹- تفتازانی، سعد الدین بن مسعود بن عمر بن عبدالله، المطول علی تلخیص المفتاح، ترکیا: د.ن، (۱۳۳۰ق).
- ۱۰- شروح التلخیص، مصر: مطبعة عیسی البابی الحلبي، (بی.تا).
- ۱۱- توفیق الحمد، علی؛ الجمیل الزعابی، یوسف، المعجم الواحی فی أدوات النحو العربي، ط ۲، إربد: دارالأمل، (۱۴۱۴ق).

- ۱۲- جرجانی، أبوبکر عبدالقاهر بن عبد الرحمن، *دلائل الإعجاز، تعلیق و شرح*: محمد عبدالمنعم خفاجی، القاهرة: مكتبة القاهرة، (۱۳۸۹).
- ۱۳- جهانگیری اصل، محمد و همکاران، «چالش‌های انعکاس معانی تنوین در ترجمه‌های فارسی قرآن»، *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۱۹۴-۱۶۵.
- ۱۴- دسوقي المالكي، محمد بن أحمد بن عرفة، *حاشية الدسوقي على مختصر السعد شرح تلخيص المفتاح، التحقيق*: خليل إبراهيم خليل، بيروت: دار الكتب العلمية، (۲۰۱۱م).
- ۱۵- دعاس، أحمد عبيد والآخرون، *إعراب القرآن الكريم*، الطبعة الأولى، دمشق: دار المنير و دار الفارابي، (۱۴۲۵ق).
- ۱۶- رازی، فخرالدین بن علامة ضیاء، *تفسير الفخر الرازی (التفسیر الكبير و مفاتيح الغیب)*، بيروت: دار الفكر، (بیتا).
- ۱۷- رضایی اصفهانی، محمد علی، *ترجمه قرآن (رضایی)*، قم: موسسه تحقیقاتی دارالذکر، (۱۳۸۳ش).
- ۱۸- رضی، محمد بن الحسن، *شرح الرضی علی الکافیة، التصحیح والتلعلیق*: یوسف حسن عمر، ط ۲، بنغازی: جامعة قاریونس، (۱۹۹۶م).
- ۱۹- روحی برنده، کاووس و همکاران، «ارزیابی دوگانگی رسم الخط ادوات «إنما، إنما، كلّ ما و أين ما» و بازتاب آن در ترجمه‌های فارسی معاصر قرآن کریم»، پژوهش‌های زیان‌ناختی قرآن، دوره ۶، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۸۶-۱۶۳.
- ۲۰- زمخشri، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزيل*، الطبعة الأولى، تحقیق: عادل احمد عبدالوجود، القاهرة: مکتبة العیکان، (۱۴۱۸ق).
- ۲۱- سکاکی، ابویعقوب یوسف بن ابی بکر، *مفتاح العلوم، التحقیق*: أکرم عثمان یوسف، بغداد: مطبعة دار الرسالة، (۱۴۰۰ق).
- ۲۲- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الأشباه والنظائر في النحو*، دمشق: مجموعة محققین مجمع اللغة العربية، (۱۹۸۷م).
- ۲۳- صعیدی، عبدالmutual، *بغية الإيضاح لتلخيص المفتاح في علوم البلاغة*، القاهرة: مکتبة الأدب، (۱۴۲۰ق).

- ۴- صیادانی، علی و بهنام فارسی، «دراسة تحليلية في الفروق المعنوية بين أساليب القصر»، بحوث في اللغة العربية، المجلد ۸، العدد ۱۵ - الرقم المسلسل للعدد ۱۵، الصفحة ۳۳-۴۶ (۲۰۱۶م).
- ۲۵- طبری، محمد بن جریر، *تفسیر الطبری (جامع البيان في تأویل القرآن)*، بیروت: دارالکتب العلمیة، (بی تا).
- ۲۶- فارسی، ابوعلی، *المسائل الشیرازیات*، تحقیق: حسن بن محمود الهنداوی، ط ۱، الریاض: کنوز اشیلیا، (۲۰۰۴م).
- ۲۷- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، التحقیق: سالم مصطفی بدری، بیروت: دارالکتب العلمیة، (بی تا).
- ۲۸- قزوینی، الخطیب محمدبن عبدالرحمن، *شرح لتاخیص فی علوم البلاعنة*، الشرح: محمد هاشم دویدری، ط ۲، بیروت: دارالجبل، (۱۹۸۲م).
- ۲۹- قزوینی، الخطیب محمدبن عبد الرحمن، *الإیضاح فی علوم البلاعنة* (المعانی والبيان والبدیع). بیروت: دارالکتب العلمیة، (۱۴۰۵ق).
- ۳۰- عباس حسن، *النحو الواقی*، قم: دارالمعارف، (بی تا).
- ۳۱- عبدالتواب، رمضان، *التطور النحوی للغة العربية*، ط ۲، القاهرة: الخانجي، (۱۴۱۴ق).
- ۳۲- مازندرانی، محمد هادی، *انوار البلاعنة*، به کوشش: محمد علی غلامی نژاد، تهران: قبله، (۱۳۷۶ش).
- ۳۳- مالقی، احمد بن عبدالنور، *رصف المیانی فی حروف المعانی*، ط ۲، تحقیق: احمد الخراط، دارالقلم، (۱۴۰۵ق).
- ۳۴- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، (۱۳۸۹ش).
- ۳۵- ملاصدرا صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *تفسیر القرآن الکریم*، چاپ دوم، قم: بیدار، (۱۳۶۶ش).

36- <http://parsquran.com/>